

محکومیت به اتهام نشر اکاذیب توسط گواهی مجعول روانپزشک*

«استفاده متهمه از سر برگ مرکز مشاوره مذکور در حالیکه در آنجا اشتغال به کار نداشت و سمتی هم نداشته تعمداً برای مهم جلوه دادن موضوع بوده است در حالیکه اجازه و صلاحیت صدور گواهی در سر برگ مؤسسه مذکور را نداشته است مصداق نشر اکاذیب است.»

واژگان کلیدی: نشر اکاذیب، گواهی مجعول، روانپزشک، ادله اثباتی

متن رأی

«درخصوص اتهام خانمها ۱- پ.الف متهم است به نشر اکاذیب ۲- م.د. متهم است به مشارکت در نشر اکاذیب موضوع شکایت آقای د.الف بدین توضیح که شاکی در شکواییه خود اظهار داشته است که با همسرش (متهمه ردیف دوم) اختلاف داشته و وی بامراجعه به متهمه ردیف اول که در منزلش مشاوره روانپزشکی می داده است از وی بدون اینکه از شاکی معاینه و یامصاحبه و یا مشاوره ای بعمل آورده باشد و یا حتی وی را دیده باشد یک گواهی در سر برگ مرکز مشاوره و خدمات روانشناختی بدین مضمون احتراماً گواهی می شود که

* نویسنده یادداشت:

حسین قاضی زاده (دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه تربیت مدرس)

Email: drhghazizadeh@yahoo.com

خانم م.د. جهت درمان افسردگی به اینجانب مراجعه کردند و علت بیماری ایشان درگیری های شدید با همسرشان می باشد همسر نامبرده دارای اختلال شخصیت می باشد و چنانچه این وضعیت ارتباطی ادامه پیدا کند میتواند منجر به پیشرفت افسردگی و سیر آن به جنون باشد. صادر نموده است. سپس م.د. این گواهی را به دادگاه خانواده و اعضای خانواده آقای د.الف. و فامیل ارائه نموده است و به حیثیت وی خدشه وارد نموده و از این طریق م.د. موفق به گرفتن گواهی عدم امکان سازش و در نهایت حکم طلاق شده است. متهمه ردیف اول ضمن رد اتهام منتسبه به خود اعلام داشته است من اشتباه کردم که براساس احساس خودم این گواهی را صادر کردم و متأسفم من قربانی یک دعوی خانوادگی شدم. وکیل مدافع محترم متهمه ضمن تقدیم لایحه ای دفاع نموده اند در گواهی صادره سوءنیت هم وجود نداشته و اکاذیبی نبوده است که نشر آن جرم باشد متهمه ردیف دوم در مدافعات خود اظهار داشته است من دچار افسردگی روحی شدم جهت درمان نزد خانم پ.الف. رفتم و گواهی مذکور نتیجه مشاوره من بوده است و به دادگاه خانواده دادم که شوهرم را به پزشکی قانونی معرفی کرده اند که پزشکی قانونی چنین نظر داده است که شوهرم جنون و سفاهت ندارد ولی نیاز است که شوهرم و من مدت شش ماه تحت درمان و مشاوره روانپزشکی قرار می گیریم و سپس استعلام لازم انجام شود. النهایه دادگاه با توجه به محتویات جمیع اوراق پرونده و شکایت شاکی و مدافعات متهمین و وکلای مدافع آنان و ملاحظه لوایح تقدیمی دادگاه ضمن رد دفاعیات و کیل مدافع محترم به این استدلال که اظهار نظر پزشکی در مورد افراد بدون انجام معاینات لازم حضوری و یا رویت سوابق بالینی بیمار، نظری غیر منطقی و غیر عقلایی می باشد همانطوریکه متهمه ردیف دوم با ارائه گواهی صادره به دادگاه خانواده و استعلام قاضی محترم دادگاه خانواده از پزشکی قانونی براساس نظریه مذکور پزشکی قانونی که نهادی معتبر و دارای جایگاه قانونی و هیئتی دارای

پزشکان متخصص می‌باشد اعلام منظر خود را منوط به انجام مشاوره روانپزشکی برای شاکی و همسرش به مدت شش ماه لازم داشته است چگونه متهمه بدون رویت شاکی و انجام مصاحله در چند جلسه به اختلال.... شاکی نظر داده است؟ واز طرفی سوء نیت متهمه ردیف اول و دوم محرز می‌باشد؛ زیرا براساس گزارش آقای دکتر ج. ب. در صفحه ۳۱ پرونده آمده است در سر برگ مرکز واحدهای مشاوره که بعنوان یادداشت و صدور گواهی استناد می‌شود تنها در صورتی اعتبار گواهی مرکز را دارد که به امضاء مؤسس و مهمور به مهر مرکز باشد و گواهی صادره بدون امضاء و مهر تأیید اینجانب بوده است و مسئولیت امضاء بعهد مشاوره است و از گواهی در زمان صدور اطلاعی ندارم. و گواهی تشخیص اختلاس شخصیت غیابی صادر شده است و بهتر می‌بود که ایشان را رویت و مورد مصاحبه قرار می‌دادند و بنظر اینجانب چنین شخصیت احتمالی نمی‌تواند ملاک عدم توانمندی و سازگاری برای عدم تداوم ازدواج باشد و لازم به ذکر است که خانم پروانه چندین ماه است که در مرکز مشاوره اشتغال ندارند و بنظر دادگاه استفاده متهمه از سر برگ مرکز مشاوره مذکور در حالیکه در آنجا اشتغال به کار ندانسته و سمتی هم نداشته تعمداً برای مهم جلوه دادن موضوع بوده است در حالیکه اجازه و صلاحیت صدور گواهی در سر برگ مؤسسه مذکور را نداشته است و ادعای وی معین بر بی اطلاعی از اینکه گواهی باید به امضاء مسئول برسد و وی نباید گواهی صادر کند، با ادعای دیگر وی که تعمداً در زیرگواهی مهر خود را منقوش نموده تناقض آشکار دارد؛ فلذا دادگاه بزه انتسابی به متهمین را ثابت تشخیص و با استناد به مواد ۱۲۵ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و با اعلام ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی به لحاظ وضعیت خاص آنان دادگاه متهمه ردیف اول را به پرداخت جزای نقدی به مبلغ پنج میلیون ریال و متهمه ردیف دوم را نیز به پرداخت جزای نقدی به مبلغ یک میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس محکوم می‌نماید رأی صادره حضوری و

ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در یکی از محاکم تجدید نظر مرکز استان می‌باشد.»

شرح موضوع

خانمی با مراجعه به روانپزشک درخواست می‌کند که گواهی‌ای مبنی بر اختلال روانی شوهر وی و سوء معاشرت او صادر شود تا سخت بودن زندگی با آقای د.الف مشخص گردد. روانپزشک فوق بدون دیدن شوهر متقاضی، اقدام به صدور گواهی دال بر اختلال شخصیت مرد و اینکه بیماری روانی وی باعث افسردگی زن وی شده است می‌نماید. همسر آقای د.الف با مراجعه به دادگاه خانواده و نیز بستگان مرد، موجب بی‌ابرویی وی می‌گردد که کسر حیثیت وی را به دنبال داشته است. آقای د.الف با مراجعه به دادگاه شکایت نشر اکاذیب مطرح می‌نماید و دادگاه همسر وی و روانپزشک را مستندا به ماده ۶۹۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ به مجازات جزای نقدی بدل از حبس با لحاظ شرایط مخففه مشارالیهما محکوم می‌نماید.

مسائل شکلی

استنادات قانونی قاضی در رای خود صحیح تشخیص می‌شود و ماده ۶۹۸ مفید این معنا است که جرم مطلق است و احتیاج به قید ضرر مشتکی عنه ندارد. دادگاه به درستی در رای خود اظهارات وکیل مشتکی عنه را منعکس و سپس به رد آن اقدام نموده است؛ در متن دادنامه از عبارات مناسب نسبت به طرفین و کلای آنها و نیز از ادبیات مناسب حقوقی - قضایی استفاده شده است و متن در مجموع روان به نظر می‌رسد.

مسائل ماهوی

دادگاه محترم سعی کرده است تا به لحاظ اثاث بودن متهمان از جهات تخفیف نسبت به آنها استفاده نموده و از مجازات حبس دو ماه تا دو سال موضوع ماده ۶۹۸ احتراز

نماید؛ زیرا روانپزشک فوق دارای جایگاه اجتماعی است و اثرات مخرب حبس-خصوصاً حبس‌های کوتاه مدت-بر چنین افرادی امری اثبات شده است؛ البته منطقی تر بود که دادگاه با توجه به درجه مجازات تعزیری که درجه شش حسب مواد ۱۹ و تبصره دو آن می باشد، روانپزشک خاطی را به یک مجازات تکمیلی موضوع ماده ۲۳ مثلاً منع از اشتغال به مدت معین محکوم می نمود تا اثرات تنبیهی-اصلاحی مجازات توامان اجرا شوند. دادگاه محترم در خصوص زن آقای د.الف نیز به لحاظ مباشر اصلی بودن در جرم به پرداخت مبلغ بیشتری از جزای نقدی محکوم نموده است که صحیح به نظر می رسد.التهایه با توجه به اینکه روانپزشک مذکور بدون اجازه قانونی و بعد از مدت مقرر از سربرگ مجموعه فوق استفاده نموده است و مفاد اظهارات مدیر مجموعه دلالت بر این امر دارد، اما متعرض این قسمت در نتیجه گیری و تعیین مجازات اصلی یا تکمیلی نشده است که با توجه به لزوم تامینی بودن چنین اقداماتی از طرف دادگاه محترم، جای آن در رای صادره خالی است. همچنین دادگاه محترم مکلف بوده است حسب تصریح قانونی ماده ۶۹۸ نسبت به اعاده حیثیت قربانی از طریق های پیش بینی شده به خصوص ساز و کارهای عدالت ترمیمی مثل جلسات گفتگو یا استفاده از میانجی اقدام نماید.

